



هنوز هم پیامشان را به ما می‌رسانند



خالق «اکبر کاراته» آسمانی شد



مسؤولان حوزه کتاب در حالی از چند آفت دنیای نشر به عنوان پدیده یاد کرده‌اند که رسانه‌ها و از جمله جام جم بارها درباره‌شان تذکر داده بود ما گفته بودیم، نگفته بودیم؟

فرهنگ

چهارشنبه :: ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۸ :: شماره ۵۳۸۴



پشت صحنه

فردوسی فراموش شدنی نیست!

یک روز آرام اردیبهشتی... صحبت از دیروز تحریریه است. خدمت محضر انور شما عارضیم که سردبیر محترم روزنامه و چند فروند معاون گرانددرشان مانند عقاب حواس‌شان به همه چیز هست. اجازه بدهید بروم سراغ اصل موضوع این تیم کاردست سردبیری که در کشیدن مواز ماست و حواله کردن سوزیهایی از غرب تا شرق دور به گروه‌ها، پست دکتری تخصصی دارند، از کارها و تکالیف روزانه‌شان نسق کشیدن از دبیر گروه‌های بینواست که گزارش سوزیهای خودشان را بدهند و ایضا درباره سوزیهای پیشنهادی دوستان سردبیری بحث کنند. از همین روی از کابوس‌های شبانه دبیران گروه‌ها، نصفه شب پریدن از خواب و خبردار ایستادن برای گزارش سوزیهاست.



حالا درباره الطاف دوستان سردبیری که مزاح کردیم و اصولا باصفا تر از این حرف‌ها هستند، ولی اجمالا دبیر گروه فرهنگی در تبیین سوزیهای روز برای حضرت سردبیر، بزرگداشت روز حکیم ابوالقاسم فردوسی را از قلم انداخته بود. همین هم شد که جناب سردبیر، دبیر مربوط را احضار و دلیل این اتفاق را جویا شود که مشخص شد این از قلم افتادگی صرفا در مرحله تشریح گزارش سوزیهای روز بوده و گرنه با حضور دو ادیبانی در گرده، بعید است چنین خطی از صفحات فرهنگی سرزد.



اجمالا در جریان باشید که زینب مرتضایی فرد به عنوان یکی از دو ادیبانی گروه که شرحش در سطور ماضی رفت، به بهانه سالروز بزرگداشت حکیم پارسی سرای ایران، گزارش جالب‌انگیزناکی مرقوم فرموده‌اند در باب شاهنامه‌های نفیس و مشتریان اشرافی‌اش، گزارشی که از قضا خواندنی هم شده. مرتضایی فرد ترجیح داده به جای حرف‌های صد من یک غاز، برود سراغ این موضوع که اشرافی بازی دارد چه می‌کند با کتاب گرانسنگ جناب فردوسی!



اخیر صفحات فرهنگی باشیدا احتمالا التفات دارید که صفحه ۱۲ روزنامه که ادبیات و هنر باشد، چند وقتی است سوزش روی وضعیت بلاتکلیف ترجمه و اوضاع قمر در عقرب کپی‌کاری‌های بعضی ناشرمنها حسابی گیر کرده و بی‌خیال این قضیه هم نمی‌شود.



احتمالا شما هم این روزها تبلیغات متعدد چند سریال شبکه نمایش خانگی را دیده‌اید که علاوه بر فضاهای تبلیغاتی شهر، در دیوار فضای مجازی را هم اشغال کرده‌اند. صفحه سبزه‌ای هم امروز رفته سراغ یکی از این سریال‌ها که قرار بوده با مساله سربازی، شوخی کند. بله بله صحبت از سریال شبکه نمایش خانگی «سال‌های دور از خانه» است. اواخر اردیبهشت هر سال، سالروز درگذشت یک شخصیت مهم است. مرحوم آیت‌ا... بهجت که نامش برای خیلی‌ها آشناست. همین هم باعث شده که محمدرضا کائینی در صفحه ۱۰ بنشیند پای حرف‌های فرزند ایشان و یک گفت‌وگوی خوب از کار دریاورد.



کدام تولید سخن می‌گوید آقای معاون؟! جلسه بوده آن هم به ریاست معاون اول جناب رئیس جمهور. معنای تلویحی‌اش آن‌که شأن و جایگاه موضوع آنقدر بوده که نفر دوم دولت برایش وقت بگذارد و راهی شود. در جلسه قرار بوده وضعیت واردات کاغذ و مشکلات مصرف‌کنندگان نوع چاپ و تحریر این کالای ظاهرا اساسی بررسی شود. سیدعباس آقای صالحی، وزیر محبوب و مأخوذ به حیای کابینه هم حضور داشته و گزارشی داده از وضعیت واردات کاغذ در ۱۴ ماه گذشته. در ادامه هم رئیس کل بانک مرکزی، همین فرآیند را از نگاه دستگاه متبوعش تشریح کرده. اینها همه اما موضوع اصلی این سیاهه نیست.



سال‌های دور از قصه!

گزارشی درباره سریال شبکه نمایش خانگی «سال‌های دور از خانه» که تا اینجا نشانی از یک اثر موفق ندارد

احمد مهران‌فر در سریال «سال‌های دور از خانه» نقش یک سرباز را بازی می‌کند.

تماشا شود، اما در ادامه و با آگاهی تماشاگر از کیفیت محصول و با برآورده نشدن انتظارات، به هیچ وجه موفقیت اثر را تضمین نخواهد کرد و رای به شکست آن می‌دهد. این اتفاقی است که تقریبا برای چند سریال اخیر شبکه نمایش خانگی افتاده؛ حتی دو سریال تازه این شبکه یعنی سال‌های دور از خانه و هیولا هم با وجود این‌که چند قسمتی از آنها بیشتر عرضه نشده، از ضعف روایتی و جذابیت قصه رنج می‌برند و مخاطبان چندان با آنها ارتباط برقرار نکرده‌اند؛ ضمن این‌که در همین چند قسمت ارائه شده هم نشانه‌ای دال بر موفقیت آثار در ادامه هم وجود ندارد، مگر این‌که در روند قصه و شخصیت‌ها تغییراتی اساسی ایجاد شود. عجالتا امروز سراغ سال‌های دور از خانه رفته‌ایم که از آن به عنوان اولین اسپین‌آف ایرانی نام می‌برند.

ادامه در صفحه ۱۱

فارغ از برخی بریز و بپاش‌های بی‌رویه و وجود بعضی از سرمایه‌های مشکوک که در این چند وقت اخیر، پای تعدادی از سرمایه‌گذاران و تهیه‌کنندگان را به میز محاکمه کشانده، ضعف سردستی بودن اغلب آثار هم، پاشنه آشیل شبکه نمایش خانگی است. در واقع با سریال‌هایی طرفیم که از بیرون غلط انداز و پرهیاهو به نظر می‌رسند اما خود آثار چیز جذابی در چنته ندارند. سازندگان این سریال‌ها بیشتر از فضای بازتر شبکه نمایش خانگی، سوءاستفاده می‌کنند و با ترفندها و موضوعات و سوزیهایی ملتهب و مبتنی بر خطوط قرمز سعی در جذب مخاطب دارند، اما این شکل توقع و بهره‌برداری نادرست از اثر هنری، شاید در ابتدای امر باعث کنج‌گاو برخی مخاطبان برای

امیدمرحمانی

فرهنگ‌و هنر

قیمت شاهنامه فردوسی در بازار کتاب چقدر بوده و با چه وضعیتی روبه‌روست؟

شاهنامه؛ ۱ میلیون و ۵۰۰!



زینب مرتضایی فرد فرهنگ‌و هنر

اُهوران پاموک، نویسنده برجسته ادبیات ترکیه می‌گوید رمان‌ها زندگی دوم ما هستند، می‌شود جمله را کمی تغییر داد و گفت نه فقط رمان که داستان‌ها به هر شکلی زندگی دوم ما هستند. زندگی‌هایی که می‌شود با سیستم و از دور تماشاایشان کنیم. گاهی هم بشویم یکی از شخصیت‌هایش و به میانه میدان برویم. ایرانی‌ها هر چند خیلی‌هایشان در گذشته سواد خواندن و نوشتن نداشته‌اند یا در خانه‌هایشان هم شاهنامه نداشته‌اند، اما حسابی درگیر رستمی بوده‌اند که از هفت خوان می‌گذرد، شاهان بسیاری را بر تخت می‌نشانند، به کمک سبم‌رغ اسفندیار را می‌کشد و از هر سدی عبور می‌کند اما روزگار او را کنار جسد فرزندش می‌نشانند، فرزندش که ناخواسته به دست پدر کشته می‌شود. قدیمی‌ها هر چند به اندازه ما امروزی‌ها سواد و ادعا نداشته‌اند، اما پایان شاهنامه و درد تیرهایی که در بدن رستم به نامردی نیاوردش می‌نشاند تا همیشه در جان‌شان می‌پیچیده است. بارها رستم می‌شدند، سهراب می‌شدند و اسفندیار و... و تمام زیست انسان را لایه‌لای این داستان‌ها تماشا می‌کرده‌اند. آن قدر که بشود گفت شاهنامه زندگی دوم ایرانی‌هاست. زندگی دومی که در قصه‌گویی‌های شبانه، آیین‌های نمایشی و بسیاری دیگر از جنبه‌های زندگی و هنر ایرانی اثر گذاشته است. هر چند قبل ترها مردم بعد از قرآن به داشتن دیوان حافظ در خانه‌هایشان علاقه نشان می‌دادند اما حالا چند سالی می‌شود که شاهنامه هم جای خود را در کنار این کتاب‌ها باز کرده و ایرانی‌ها حتی اگر همه این بالابلند را نخوانند، می‌دانند که بخشی از هویت و شناسنامه‌شان است. اما این روزها و با قیمت‌های کمرشکن کتاب، باز هم مردم شاهنامه می‌خرند یا

در خرید کردن آنها هم تأثیراتی می‌گذارد. بنابراین از میرباقری می‌خواهم ریزبینانه‌تر مخاطبان شاهنامه را دسته‌بندی کند. او این‌طور توضیح می‌دهد: یک دسته افرادی هستند که می‌خواهند شاهنامه را بخوانند، علاقه‌مند ادبیات هستند و واقعا کتاب را برای مطالعه می‌خوانند. این دسته از افراد بیشتر به این‌که چه نسخه‌ای را می‌خواهند دقت می‌کنند و چندان درگیر ظاهر کتاب نیستند. دسته دیگر کسانی هستند که می‌خواهند شاهنامه حتما در خانه‌شان باشد و توانایی این را هم ندارند که شاهنامه نفیسی را انتخاب کنند پس به یک شاهنامه معمولی اکتفا می‌کنند و با توجه به مبلغی که می‌خواهند هزینه کنند گزینه‌های خریدشان را بررسی می‌کنند.

این ناشر ادامه می‌دهد: دسته دیگر هم که درباره‌شان صحبت کردم و گفتم شاهنامه را به‌عنوان هدیه‌ای خاص انتخاب کرده و حاضرند برایش هزینه کنند.

«ده هزار کجا و صد هزار کجا؟»

پس شاهنامه هم برای خودش لاکچری بازی دارد و قرار است در گرانی‌های مداوم صنعت نشر لاکچری هم تر بشود! شاهنامه‌های نفیس اما چطور گران می‌شوند؟ میرباقری در این باره توضیح می‌دهد: در قدم اول قیمت کاغذ و بعد جلد این کتاب‌ها هزینه زیادی برای ناشر دارد. چاپ این کتاب‌ها هم بسیار گران شده و مصالح مصرفی چاپ از ده هزار تومان به صد هزار تومان رسیده است. حالا در کنار حرف‌های میرباقری می‌شود نشست و فکر کرد اصلا چرا باید چنین کتاب‌های گران و اشرافی تولید شود و در کنارش هم به این فکر کرد که چه اشکالی دارد میراث ادبیات غنی ایرانی در قالب و شکلی جذاب تولید و ارائه شود. من که هر چه دو طرف ماجرا را در ذهنم بررسی کردم نتوانستم حق کامل را به یک طرف بدهم و ماجرا را توی ذهنم ببندم. اولش گفتم کتاب به این گرانی می‌خواهیم چه کارا بعد به خودم جواب دادم خوب یک کیف یا لباس معمولی هم کار آدمیزاد را راه می‌اندازد، چرا می‌رود سراغ اشرافی‌تر و زیباترش؟ حالا که زورمان به هیچ چیز نمی‌رسد، چرا تلافی همه لاکچری‌بازی‌های نامعمول جامعه را سر کتاب در بیاوریم و به این یکی بگوییم لطف‌انباش!

شاخه‌های ادبی کشور یا کتاب‌هایی با هدف معرفی ایران با حمایت روبه‌رو شوند؟ در حال حاضر باین کتاب‌ها مانند کتاب‌های وارداتی هنری رفتار می‌شود، آن وقت می‌بینیم که از کتاب‌های ترجمه حمایت می‌شود و ناشران می‌توانند با کمک و حمایت کار خود را ادامه بدهند.

«شاهنامه‌های اشرافی»

اما مخاطب شاهنامه‌های نفیس چه کسانی هستند؟ شاهنامه‌هایی که برخی با قیمتی بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان قیمت خورده‌اند. میرباقری می‌گوید: خریداران این کتاب‌ها طبعا عامه مردم نیستند و قشر عادی جامعه سراغ کتاب‌هایی با چنین قیمت‌هایی نمی‌آید. این دسته از شاهنامه‌ها بیشتر از سوی برخی شرکت‌ها و افراد خاص خریداری می‌شوند، اما به نظرم باید راین‌های فرهنگی سراغ این کتاب‌ها بیایند و میراث فرهنگی و معنوی کشورمان را در قالبی درخور به دیگر کشورها هدیه کنند. پس با این حساب، مخاطبان شاهنامه هم متفاوت هستند و این تفاوت

